

فضای مجازی و جنبش‌های اجتماعی

(با تاکید بر جنبش زنان ایران و تحلیل صفحه آزادی‌های یواشکی در فیس بوک)

آزاده خرازی

بیدارزنی: از زمان ایجاد شبکه جهانی اینترنت در جهان، تغییر و تحولات بسیار زیادی در همه ابعاد زندگی انسان پدید آمد. این تغییرات از جزئیات فردی و ویژگی‌های انسانی همچون رفتار، عادات، طرز فکر گرفته تا اتفاقات کلان مانند تحول شیوه‌های تصمیم‌گیری و کنش‌های سرنوشت‌ساز سیاسی و بین‌المللی را در برمی‌گیرد. گویی نقش مهم اینترنت در زندگی روزمره انسان امروزی غیرقابل انکار است. آنچه در سال‌های اخیر توجه صاحب‌نظران را به خود جلب کرده تاثیر فضای مجازی و کردارهای افراد در فضای سایبر در زمینه کنش‌های سیاسی و اعتراضی است. مجادلات و مناقشات زیادی بر سر این مسئله که آیا فضای مجازی بستری را برای تسهیل تحقق مطالبات سیاسی - اجتماعی ایجاد نموده یا همچون مانعی بر سر راه آن قرار گرفته است، مدتی است که نقل محافل آکادمیک و رسانه‌ها است. در این مقاله قصد دارم ضمن بررسی هر دو رویکرد موافق و مخالف تاثیرگذاری مثبت فضای مجازی بر کنش‌های سیاسی افراد و فضای انضمامی زندگی، درنهایت با اشاره به نقش فضای مجازی در جنبش زنان ایران، عملکرد صفحه آزادی‌های یواشکی در فیس‌بوک را مورد تحلیل و نقد قرار دهم. سوالاتی که در این مقاله به آن‌ها پاسخ داده خواهد شد عبارت‌اند از:

- آیا فضای مجازی توانسته در عرصه‌های مهم سیاسی (همچون اصلاحات عظیم و انقلاب‌های) تاثیرگذار باشد؟ این تاثیرگذاری به چه نحوی بوده است؟
- اسلکتیویسم^۱ چیست؟ آیا پدیده اسلکتیویسم می‌تواند در زمینه تغییرات اجتماعی - سیاسی دنیای امروز تاثیر مثبت و راهگشایی داشته باشد؟
- فضای سایبری چه نقشی در جریان جنبش زنان (به‌خصوص در ایران) داشته است؟
- آینده جنبش‌های مجازی چگونه خواهد بود؟

کلمات کلیدی: فضای مجازی/سایبر/اینترنت، جنبش اجتماعی، جنبش زنان، اسلکتیویسم

اینترنت؛ تهدید یا فرصت؟!

در چند سال اخیر و پس از اتفاقاتی چون وقایع انتخابات ۸۸ ایران و سپس تحولاتی که در برخی کشورهای عربی رخ داد و به بهار عربی موسوم گشت، اینترنت و فضای سایبر بار دیگر به شکلی ویژه مورد توجه کارشناسان علوم اجتماعی و علوم ارتباطات قرار گرفت. این بار اما آنچه توجه جهان را به سمت اینترنت جلب نمود نقش آن در سازمان‌دهی و تدارک افراد در جریان تحولات مورد اشاره بود. در جریان اتفاقات پس از انتخابات ۸۸، بسیج نیروهای مردمی برای تجمعات اعتراض‌آمیز در شبکه‌های اجتماعی چون فیس‌بوک و توئیتر انجام می‌گرفت و فیلم درگیری‌های این اعتراضات به سرعت توسط کاربران بر روی این شبکه‌ها قرار داده می‌شد و جهان از آن خبردار می‌شدند. در کشورهای چینی، تونس و لیبی هم اتفاقات مشابهی افتاد. بسیاری از خرده جنبش‌ها در درون وقایع در حال بروز آن دوران، در فضای مجازی شکل گرفتند و اقدام به عضوگیری نمودند که در سازمان‌دهی و به خیابان

^۱ Slacktivism

کشاندن مردم نقش زیادی ایفا کردند. باین همه اما پس از گذشت چندی از این اتفاقات، به تدریج برخی نظریه پردازان و منتقدین به نقد نقش اینترنت در محدود کردن کنش افراد به فضای مجازی پرداختند. اصطلاح اسلکتیویسم^۲ و یا کیلیکتیویسم^۳ و انقلاب از زیر پتو^۴ کلماتی هستند که از سوی بسیاری از منتقدان فضای مجازی مطرح شده و می شود. بنابراین می توانیم دودسته از افراد و نظریات را در زمینه نقش فضای مجازی در کنشگری دسته بندی کنیم. دسته اول دسته ای که به کنشگری اینترنتی معتقدند.

آنجلا جی آگوآیو در دانشنامه رسانه های جنبش اجتماعی ذیل مدخل «کنشگری و رسانه های جدید» کنشگری را مفهومی برآمده از رسانه های جدید تعریف کرده است که اغلب با محتوای تولید شده از سوی کاربران و دروازه بانی از سوی آن ها، ده ها میلیون بیننده و خواننده را به مشارکت و تعامل در خصوص محتوای به اشتراک گذاشته شده فرامی خواند. کنشگری در مصادیق خود از رسانه های اجتماعی پرفرمدار مانند فیس بوک و توئیتر تا وبلاگ های شخصی، سوبه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره کسب می کند. به همین دلیل اینترنت و به ویژه رسانه های مجازی مانند فیس بوک، توئیتر، یوتیوب، مای اسپیس و حتی وبلاگ ها، پادکست ها، فروم ها و جماعت های محتوایی نیز می توانند شیوه هایی از کنشگری را دنبال کنند. این امر باعث تسریع حرکت های شهروندی و بسیج اجتماعی افراد یا کاربران این سایت ها می شود. به این ترتیب کنشگری اینترنتی نوعی کنشگری اجتماعی است که در فضای واقعی نیز امکان انعکاس می یابد. (خانیک و جهرمی، ۱۳۹۲: ۵۱)

در مقابل گروه بالا، افرادی هستند که معتقدند فضای مجازی و جنبش های مجازی، اشخاص را به سمت انفعال می کشاند و از انجام کنش عینی و واقعی که منجر به تغییرات انضمامی شود باز می دارد.

مبارزه از طریق کلیک کردن و به اشتراک گذاری از جمله واژگانی هستند که این روزها تبدیل به یگانه شکل تسکین دهنده بی کنشی «کنشن ورزشی مجازی شده» که سعی دارند به واسطه آن، بر فقدان عاملیت خود سرپوش گذارند و محاسبه گری اذهان فردیت باور خویش را در نبود کنش ورزشی های واقعی و انضمامی طبیعی جلوه دهند و البته در نهایت خود را «مبارز» جا بزنند ولو «مبارزانی از زیر پتو» (امامی، ۱۳۹۳)

این گروه معتقدند فضای مجازی نه تنها بستری را برای بسیج همگانی برای نیل به هدفی مشترک فراهم نمی کند بلکه اساسا ایجاد و تاسیس آن با هدف اتمیزه کردن افراد، تقویت فردگرایی و دامن زدن به نوعی انفعال سیاسی- اجتماعی است.

برای تحلیل نقش شبکه های اجتماعی و بررسی روند «سوژه زدایی» از عامل انسانی (agent) و فروکاست آن به هویتی مجازی که همان ویژگی های موجودیتی واقعی را دارد اما در شکلی «وانموده» و نامرتبط با واقعیت، ناگزیریم به جریانی اشاره کنیم که تحت سیطره ای ایدئولوژی نولیبرالیسم، سوار بر منطق فردیت باوری که پیشاپیش فاتحه ای هر نوع کنش جمعی اجتماعی را می خواند، تنها بدین خاطر که «هزینه های برگشت ناپذیری» برای آن «فردیت ها» دارد، از سال های پایانی قرن بیستم و سال های ابتدایی قرن بیست و یکم با مطرح کردن «شبکه» به عنوان بدیلی برای «جامعه» آرام آرام به سمتی پیش رفت که عقل سلیم یا خرد عامیانه را متقاعد سازد که می توان همان ویژگی های «انسان واقعی اجتماعی» را داشت اما در شکل نوین و فناورانه ای «کاربر شبکه». گذار از «انسان واقعی اجتماعی» به «موجودیت سوژه ای مجازی» که اساسا بدون نیاز به عاملان انسانی می تواند به واسطه سیستم های کدگذاری اطلاعاتی «بازشناسی» شود، یکی از اصلی ترین دستاوردهای منظومه ی سیاسی- اقتصادی- اجتماعی بی بوده که با استفاده

^۲ ویکی پدیا

^۳ Collectivism

^۴ رک: امامی، ۱۳۹۳

از فناوری‌های اطلاعاتی پیشرفته و فراگیری «شبکه» و امکان‌های ارتباطی آن، عملاً راه را برای تفوق فزاینده‌ی خویش بر سپهر زندگی اجتماعی انسان در سرتاسر جهان، به‌ویژه در مناطق برخوردار از زیرساخت‌های ارتباطی (که شامل چیزی بیش از ۲.۵ میلیارد نفر می‌شود، یعنی نزدیک به یک‌سوم جمعیت کل جهان) همواره کرده است. این گذار از آن‌رو «دست‌آورد» شمرده می‌شود که تحت سیطره‌ی نولیبرالیسم تا حد زیادی توانسته عقل سلیم را تابع منطق ذره‌وار و غیراجتماعی خود سازد. (همان)

برای روشن‌تر شدن موضوع و نیز ورود به بحث اهمیت اینترنت در جنبش زنان ایران، بهتر است چند مفهوم را به‌طور دقیق بررسی نماییم.

• جنبش اجتماعی: در تعریف جنبش اجتماعی نظریات گوناگونی از سوی متخصصان علوم اجتماعی تاکنون مطرح شده است اما اگر بتوان مجموعاً ویژگی‌هایی که برای جنبش اجتماعی ذکر می‌شود را در یک جمله مطرح کرد، جنبش اجتماعی عبارت است از هرگونه کوشش جمعی که در خارج از حوزه نهادهای رسمی برای پیش برد منافع و رسیدن به اهداف مشترک صورت می‌گیرد. ناگفته نماند این نوع کوشش جمعی معمولاً با هدف دگرگونی و یا تغییر اجتماعی/سیاسی همراه است و گاه با شیوه‌های خشونت‌آمیز توأم می‌شود.

«محققان با پیشینه‌های نظری و سرزمینی مختلف حداقل به چهار جنبه اختصاصی جنبش‌ها توجه مشترک دارند:

- شبکه‌های تعامل غیررسمی
- اعتقادات مشترک و همبستگی
- عمل جمعی متمرکز بر منازعت
- استفاده از اعتراض» (دلپورتا و دیانی، ۱۳۹۰)

«نظریه‌های مربوط به جنبش‌های اجتماعی را می‌توان در سه رویکرد طبقه‌بندی کرد:

- رویکرد رفتارگرایی: شامل نظریه‌پردازانی چون گوستاو لوبون، نیل اسملسر، جیمز دیویس، رابرت تدگر، کورن هازر، هربرت بلومر، رالف ترنر و لوئیس کیلیان.

- رویکرد نهادی: شامل نظریه‌پردازانی همچون مانکور السون، آنتونی اوبرشال، زالد و مک کارتی، چارلز تیلی، سیدنی تارو، جو فریمن و دیوید اسنو.

- رویکرد جامعه مدنی: شامل نظریه‌های نظریه‌پردازانی همچون آلن تورن، یورگن هابرماس، مانوئل کاستلز و آلبرتو ملوچی.

در نخستین دسته، نظریه‌هایی که جنبش اجتماعی را به‌مثابه رفتاری احساسی و ناشی از فشارهای محیطی بررسی می‌کنند، تحت عنوان رویکرد رفتار جمعی طبقه‌بندی می‌شوند. در دسته دوم، نظریه‌هایی که ماهیت جنبش‌های اجتماعی را نهایتاً فرآیندی سیاسی قلمداد می‌کنند و عقلانیت موجود در سازمان‌های جنبش را مورد توجه قرار می‌دهد، ذیل نام رویکرد نهادی جای می‌گیرند؛ و در دسته آخر نظریه‌هایی قرار دارند که ماهیت اساسی جنبش‌های اجتماعی را برخاسته از هویت‌های موجود در جامعه مدنی می‌دانند و هدف این جنبش‌ها را نیز تغییر جامعه مدنی اعلام می‌کنند، این دسته با عنوان رویکرد جامعه مدنی مشخص شده است.^۵

^۵ ر.ک. بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی در محیط مجازی بر جنبش‌های اجتماعی

- شبکه اجتماعی: ساختاری اجتماعی است که از گره‌هایی (فردی یا سازمانی) تشکیل شده که توسط یک یا چند نوع خاص از وابستگی به هم متصل‌اند. شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در تعیین راه‌حل مسائل، اداره کردن تشکیلات و میزان موفقیت افراد در رسیدن به اهدافشان ایفا می‌کند. (کبریایی زاده، ۱۳۹۰ در عبداللهی و دیگران، ۱۳۹۱)

اینترنت و جنبش زنان ایران

بسیار از مطالعات و تحقیقات انجام شده در رابطه با نقش اینترنت در زندگی روزمره ایرانیان نشان می‌دهد، از آنجایی که زنان در ایران برای حضور در عرصه عمومی نسبت به مردان با محدودیت‌های بیشتری مواجه‌اند (شنگاپور^۶ و دیگران، ۲۰۱۰-۲۰۰۹)، اینترنت و فضای مجازی بستر مناسبی را برای خود بیانگری زنان ایجاد نموده است. مخصوصاً به دلیل آنکه در فضای مجازی امکان پنهان نمودن هویت اصلی و حضور با هویت‌های جعلی و غیرحقیقی نیز وجود دارد، زنان برای حضور در فضای سایبر اقبال بیشتری از خود نشان می‌دهند. فارغ از استفاده‌های شخصی زنان از اینترنت، در سال‌های اخیر، زنان فعال در زمینه‌های سیاسی-اجتماعی نیز برای پیشبرد اهداف و فعالیت‌های خود از اینترنت بهره زیادی برده‌اند.

جنبش زنان ایران یکی از اولین جنبش‌هایی بود که خیلی زود به اهمیت تاثیر اینترنت پی برد و از اینترنت به‌عنوان مهم‌ترین ابزار رسانه‌ای خود بهره برد. محبوبه عباسقلی زاده: «زنان در همه دوران تاریخی ما حاشیه‌نشین بوده‌اند. به همین دلیل همیشه دنبال خلق فضاهای جایگزین و استفاده از این فضاها برای پیشبرد اهداف خود هستند. اینترنت برای جنبش زنان ایران خیلی زود تبدیل به فضایی جایگزین به‌جای فضاهای سیاسی و اجتماعی بسیاری شد که زنان از آن سهمی ندارند» (دویچه وله، ۲۰۱۵)

برای مثال کمپین یک‌میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز که فعالیت خود را از سال ۸۵ آغاز نمود از همان ابتدا با راه‌اندازی سایت تغییر برای برابری^۷، از امکان فضای مجازی برای انعکاس فعالیت‌های خود و نیز به‌نوعی پیشبرد اهداف خود به‌طور موازی هم در کوچه و خیابان و هم در اینترنت استفاده کرد.

«شبکه‌های اجتماعی زنان در فضای سایبر دوره‌های مختلفی را پشت سر گذاشته است؛ هرچقدر سرکوب افزایش یافته جنبش زنان بیشتر در فضای مجازی متمرکز شده و در وقت مناسب با توان تغییر بیشتری به فضای واقعی منتقل شده است. حتی روزبه‌روز با افزایش سرکوب، گسترش بیشتری یافته و سرانجام در شبکه‌های اجتماعی جنبش وسیع‌تر دموکراسی خواهی تکثیر شده است. این پدیده چند پرسش مهم را پاسخ می‌دهد:

یک- نخست اینکه رابطه مستقیمی بین سرکوب و انتقال جنبش‌های اجتماعی به شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان یک فضای آلترناتیو وجود دارد. بنابراین این‌گونه نیست که جنبش‌ها الزاماً در فضای باز و دموکراتیک رشد کنند.

دو- برخلاف محققانی که معتقدند فضای مجازی تنها به تبادل اطلاعات سرعت می‌بخشد و همین امر موجب سرعت گرفتن جنبش‌های اجتماعی می‌شود، فضای مجازی برای جنبش‌های اجتماعی‌ای که از فضای واقعی محروم می‌شوند تنها محل تبادل اطلاعات نیست بلکه فضایی است که در آن جنبش‌یابی و جنبش‌سازی هر دو صورت می‌پذیرد و باعث می‌شود که افراد یک جنبش از مرحله کار فردی به مرحله کار گروهی حرکت کنند. درواقع شبکه‌های مجازی توانایی انتقال یک جنبش از مرحله فردی به مرحله گروهی را دارد.

^۶ Shangapour

^۷ we-change.org

سه- فضای مجازی این فرصت را به فعالان اجتماعی می‌دهد که دوره زمانی لازم برای همکاری و تعامل را طی کرده و با یافتن درد زبان و مطالبه مشترک بتوانند سرمایه اجتماعی تولید کنند. این سرمایه اجتماعی در بافت و کانتکست اجتماعی ویژه جهان مجازی که تفاوت آشکاری با دنیای واقعی دارد ایجاد می‌شود اما همین سرمایه اجتماعی به‌خودی‌خود پدیده واقعی است. پدیده عینی و واقعی‌ای که محصول فضای مجازی است.» (کمیته گزارشگران حقوق بشر، ۱۳۹۰)

در میان صفحات و کمپین‌های مجازی شکل‌گرفته در شبکه‌های اجتماعی، صفحه‌ای به نام آزادی‌های یواشکی زنان در ایران در مدت‌زمان کوتاهی از بدو ایجاد آن توانست اعضا و طرفداران بسیاری را از اقصی نقاط جهان به خود جذب کند. این صفحه از زنان می‌خواهد تا عکس بی‌حجاب خود را از ایران به نشانه اعتراض به حجاب اجباری برایش بفرستند و آن‌ها را در این صفحه به نمایش می‌گذارد. مانند بسیاری دیگر از حرکت‌های شکل‌گرفته در شبکه‌های اجتماعی، فعالیت این صفحه نیز با انتقادات مثبت و منفی زیادی مواجه گشته است. در میان خود زنان و بالاخص فعالان حوزه زنان نیز مناقشات بسیاری بر سر نقش و کارکرد این صفحه در فیس‌بوک درگرفته است. یکی از انتقادات وارده به صفحه آزادی‌های یواشکی مبتنی بر این عقیده بود که این صفحه با محدود کردن خواست حجاب اختیاری به چند عکس که آن‌ها هم در بیشتر موارد در سپهر عمومی درون شهر نیستند و در فضاهای خارج شهری و خالی از جمعیت گرفته شده‌اند، این مطالبه جدی سیاسی- اجتماعی را بسیار مبتذل نموده است و به سطحی نمایشی تقلیل داده است؛ و درواقع با اطلاق مفاهیمی چون کمپین و جنبش به این حرکت و پروبال دادن به این نحوه از فعالیت به‌نوعی بی‌کنشی و انفعال زنان در قبال حجاب اجباری را تشویق می‌کند.

پیروان دیدگاه‌های پسااستعماری نیز که تمرکز نقدشان بر رویکردی ضد امپریالیستی است معتقد بودند این عکس‌ها در حقیقت تصویری درماننده از زن ایرانی ارائه می‌دهد که از حجاب اجباری به ستوه آمده و گویی از آنجاکه بیچاره و مستاصل مانده است چاره‌ای جز یاری جستن از منجی مهربان و خیرخواه غربی ندارد. به عقیده این گروه از منتقدین، این تصاویر بهترین بهانه برای تقویت نگاه خودبرتربین و سلطه آمیز غرب و بسط مقاصد امپریالیستی غربی با توجیه نجات زن ایرانی از بند حجاب اجباری است.

«به نظر می‌رسد هسته اصلی بحث میان موافقان و مخالفان این صفحه، بر حجاب اجباری و نقش و میزان توانایی این صفحه در پررنگ کردن و یا عدم توانایی آن در پیشبرد یک حرکتی مدنی است. {...} بی‌شک ایده ایجاد صفحه آزادی‌های یواشکی، به‌واسطه مطرح کردن دوباره بحث حجاب اجباری و نشان دادن اعتراض زنان به آن، ایده‌ای خلاقانه و کارآمد است، از سوی دیگر بازتاب این صفحه در رسانه‌های غیرفارسی زبان که عموماً با چاپ عکس زنان با در دست گرفت روسری و بدون حجاب منتشر شده است نشان می‌دهد که در غرب همچنان کلیشه زن مسلمان با نوع پوشیده در حجاب یا فراری از حجاب بازتولید می‌شود. باین‌حال شاید بتوان نکته مثبت این صفحه را نشان دادن الگوهای متفاوتی از زن ایرانی قلمداد کرد. زنان بسیاری به این پوشش اعتراض دارند درعین‌حال اعتراض آن‌ها نمی‌تواند علنی و آشکار باشد. تصاویری که عموماً از زنان ایرانی منتشر می‌شود آن‌ها را افرادی منفعل و محصور قلمداد می‌کند، اما تلاش این صفحه برای تعریف دیگرباره از زن ایرانی در فضای مجازی و غیره است. باینکه حرکتی مثل روسری از سر انداختن و بی‌حجاب بودن در چند ثانیه را نمی‌توان به‌نوعی آزادی مطلق و یا رسیدن به آن قلمداد کرد، اما این حرکت از آنجایی اهمیت دارد که در کمترین مقیاس خود می‌تواند نشان دهد که زنان ایرانی مخالف حجاب اجباری هستند. با توجه به فراگیر شدن این حرکت در فضای مجازی، می‌توان این‌گونه تصور کرد که این حرکت اعتراضی به حجاب بار دیگر جلوه و رنگ دیگری گرفته است و این بار در فضای مجازی به صدای اعتراض برخی از زنان ایرانی به حجاب اجباری شده است.» (دواچی، ۲۰۱۴)

^۱ [Hijab removal Iranian women and freedom of dress](#)

با توجه به تعاریف مطرح شده در باب مفهوم جنبش اجتماعی که ذکر آن رفت، می‌توان فعالیت صفحه آزادی‌های یواشکی زنان در ایران را با رویکردی رفتارگرا تحلیل کرد. بدین معنا این صفحه در تلاش است، منعکس‌کننده احساسات و عواطف زنان در مواجهه با حجاب اجباری از طریق گذاشتن عکس و نوشته‌های آن‌ها باشد. با این توضیح و از آنجایی که صفحه آزادی‌های یواشکی به جای آنکه بخواهد از طریق جریان‌سازی در فضای مجازی، حرکتی را در فضای واقعی سازمان‌دهی کند - اساساً در پی چنین هدفی نیست - و در واقع هدفی معکوس را دنبال می‌کند، نگارنده ضمن رد جنبش دانستن - به معنای حرکتی جمعی که در پی دگرگونی و تغییر اساسی وضعیت موجود است - حرکت ایجادشده توسط این صفحه و تاکید بر نقش و تاثیر غیر مبارزاتی آن، معتقد است در کنار نقدهای وارده به صفحه آزادی‌های یواشکی نمی‌توان از نقش مستندساز این صفحه در ثبت نارضایتی و سرپیچی هرچند نمادین زنان ایران در این برهه سیاسی-تاریخی به‌سادگی گذشت. گویی این صفحه حکم یک دفترچه خاطرات را برای زنان دارد که می‌تواند خاطرات و شرح حال خود را در مورد تجربه حجاب اجباری در آن ثبت کنند. بی‌شک فضایی که این صفحه برای خود روایت‌گری زنان ایجاد نموده است را می‌توان حرکتی کم‌نظیر و ارزشمند به شمار آورد. گرچه که این امکان به‌نوعی محدود به زنان طبقه متوسط و مرفه اغلب شهری است.

نتیجه‌گیری

در مورد آینده جنبش‌های مجازی و جریان‌سازی‌های سیاسی-اجتماعی سایبری نمی‌توان پیش‌بینی قطعی داشت اما امید است با تلاش و هم‌فکری نظریه‌پردازان و کارشناسان حوزه ارتباطات و جامعه‌شناسی و... کنشگری مجازی هرچه بیشتر در مسیر تحقق تغییرات سیاسی-اجتماعی حیات واقعی بشر قرار گیرد. اینترنت و بستر فراهم‌شده توسط آن برای انسان امروزی مانند هر پدیده دیگری دارای هر دو کارکرد مثبت و منفی است. نمی‌توان منکر آن بود که اینترنت و فضای جایگزین ایجادشده در آن که بسترساز جریان‌ات اجتماعی - سیاسی فراوانی بوده و هست، در دنیای واقعی و عینی حیات انسانی تاثیر فراوانی گذارده است. از طرفی نباید این توجه به نقش و تاثیر مثبت فضای سایبر در تحولات اجتماعی - سیاسی، آن اندازه جدی گرفته شود که افکار عمومی از تلاش برای تغییر در دنیای واقعی غافل بمانند. یا تصویری غلط در جامعه فراگیر شود که اینترنت می‌تواند به‌تنهایی جایگزین کنشگری در فضای انضمامی جوامع باشد. باید همواره ارتباطی متعادل بین کنشگری سایبری و کنشگری در دنیای عینی برقرار نمود؛ و البته نباید از این نکته غافل شد که تغییرات ایجادشده در فضای مجازی تا زمانی که به تغییر در فضای عینی اجتماع انسانی منجر نگردد، هیچ ارزشی نداشته و فعالیتی عبث و بیهوده خواهد بود.

منابع

امامی، م. (۱۳۹۳). «دُن کیشوت‌های مجازی و مبارزان زیر پتو»، بازیابی از thesis11.com یازدهم.

بررسی تاثیر شبکه‌های اجتماعی در محیط مجازی بر جنبش‌های اجتماعی، بازیابی از <http://mosahebniya.com>

خانیکی، ه؛ جهرمی، ح. ب. (۱۳۹۲). کنشگری و قدرت در شبکه‌های اجتماعی مجازی «مطالعه کارکردهای فیس‌بوک در فضای واقعی».

دلپورتا، د؛ دیانی، م. (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی. مترجم: دلفروز، م. تهران: انتشارات کویر.

دواجی، آ. (۲۰۱۴). بازیابی از مدرسه فمینیستی: feministschool.org

عبدالهی، ر؛ شورگشتی، م؛ پور، ب. ا. (۱۳۹۱). نقش رسانه‌های نوین در جنبش‌های اجتماعی (مطالعه موردی جنبش تسخیر وال استریت).

بازیابی از کمیته گزارشگران حقوق بشر (۱۳۹۰): chrr.biz

بازیابی از دویچه وله (۲۰۱۵): dw.de

we-change.org

[“Hijab Removal, Iranian Women, and Freedom of Dress”](#), (2014, may). Retrieved from [ww.patheos.com](#).

<http://www.techopedia.com/definition/28252/slacktivism>. (n.d.).

Shangapour, S., Hosseini, S., & Hashemnejad, H. (n.d.). cyber-social networks and social movements, case study: Tehran (2009-2010).